قیمت سالیانه
دارالسلطنهٔ کابل ۷
روپیه کابلی
در اطراف داخلهٔ مملکت
۱۱ روپیهٔ کابلی
در خارج مملکت
۱۲ روپیه کابلی
(به هر هفته یکبار)
(نشر میشود)
قیمت یک نسخهٔ آن
در کابل ۸ پیسه میباشد
(اوراق که درج نشود
(اعاده نمیشود)

امان افغان

(سر محرر)
(پاینده محمد)
(فرحت)

اداره خانه
دمافغانان کابل

(همهٔ امورات تحریریه)
(به اداره خانه)
(بنام مدیر)
(فرستاده میشود)

(دورهٔ امن و امان پاینده باد)
(فرحت افغانستان پاینده باد)

تاریخ شمسی ۱۵ جدی ۱۳۰۰ شمسی تاریخ ۷ جمادی الاول ۱۳۴۰ قمری
تاریخ انگریزی ۶ جنوری ۱۹۲۲ عیسوی

(تردید)

از مطالعه ستون سوم صفحه دوم اخبار و کیل مورخه سوم دسمبر معلوم می‌شود که همعصر واهی نگار مان مدیر اخبار لیدر (منطبعهٔ اله آباد) در یکی از شمار های خود طنزا نوشته است که اعلیحضرت امیر افغانستان بسبب تکمیل معاهدات افغانیه و برطانیه دلچسپی و همدردیهائیکه نسبت بمسئله خلافت و تحفظ آن داشتند همه را یکسو نموده اظهار سرد مهری و ناهمدردی را مینمایند —

آری اگر واقعاً اخبار لیدر که بعنی رهنما است قارئین خود را که عموماً مردم هندوستان میباشند بنگارشات فقره فوق هدایت کرده باشد بلکل غلط بوده باید به فقره تردیدیه اخبار وکیل مؤرخه فوق اکتفا ورزیده هیچگاه عموماً در مسائل دینیه شخصی و خصوصاً نسبت بیک پادشاه ذیجاه دین پرور غازی (مانند اعلیحضرت امیر افغانستان) دست درازی نکنند از هم بلحاظ کنید فقره تردیدیه اخبار وکیل واطمینان قلبی ساکنین هندوستان و جمیع مسلمانان خیریکه بذریعه نامه نگار خصوصی

ادارهٔ امان افغان واصل شده درج صحیفهٔ هذا می شود اینکه

یوم پنجشنبه ۹ برج قوس ، نمایندگان برطانوی که رئیس شان جناب آنریبل سرهنری دابس بود بشرفیاب حضور همایونی هنگام مراجعت خود از افغانستان ، شدند اعلیحضرت غازی فرمودند اینکه :—

امروز من می بینم که معاهدهٔ افغانستان بادولت بریطانیه عقد گردیده وطرفین راضی شده اند بتقدیر واحساسات یکدیگر و آرزو های شان .

چون از آوان طفولیت آزادی همهٔ دنیا واقوام آن را آرزومند بودم ونمی خواستم که حقوق آزادی واستقلال حقیق هیچکس تلف شود ، وعلی الخصوص در حق وطن وسلطنت خود یک حالی را که مخالف آداب وحقوق تمامیت حاکمیت خود افغان وافغانستان باشد دیده نمیتوانستم وسبب محرومی افغانستان را ازین حق صریح خودش ، صرف دولت بریطانیه را میشناختم لهذا تمام افکار خود را به مخالفت دولت مشار الیها میرو دانیدم . وحالا نیز برای محافظهٔ استقلال ، عزت وشرافت افغانستان تا یک قطره خون آخری خود آماده ام چنانچه من بملت خود گفتم که جان را که من در راه خدمت ملت برای فدا کردن حاضر کرده ام در مدافعهٔ استقلال فدا میکنم

ولی امروز همت قوم من جان واستقلال هر دو بمن دادمن این راحیات دوباره خود میدانم ودوباره برای خدمت ملت فدا خواهم کرد .

هرچند چند بار کوشش وحرکات دولت بریطانیه در همین مذاکرات مثل بذیرانی نمودن جناب محمد ولی خان از طرف ادارهٔ هند در انگلستان وتجویز باقیماندن سفیر ما بنام سفارت در هندوستان خیلی مارا دلگیر ومناسبات را بجائی که میدانید رسانیده بود مگر اکنون بریطانیای معامله شناس پیش از گذشتن وقت آن را دفع کرد حالا من بسیار مسرور هستم که بالآخر دولت معظمهٔ بریطانیه استقلال افغانستان را باهمه معانی آن احترام مینماید ونتیجهٔ آن همان بود که مافوری توانستیم یک مناسبات همسایه گی قایم کنیم .

شبهه نیست که این مناسبات دوستانه نیست صرف آشنایانه وهمسایه گان است ولی بازهم هنگام رفع دیگر مشکلات امیدوارم که همچنانکه اعلیحضرت شاه جارج در تلگراف تبریکیه شان بمعاهدنامهٔ دوستی تعبیر فرموده اند این همسایه گی بدوستی مبدل شود . من از حسیات عالم اسلام بهیچ گونه جدا شده نمی توانم — لهذا اگر دوستی صمیمانه ملت افغان را دولت بریتانیا بکار

داشته باشد پس در مشوره های خیرخواهانه من توجه زیاد نمایند .

آن ملاحظات همین است که من قبلاً در ملاقات اول هم شما را بآن متوجه ساخته بودم وحالا باز مشوره های خیر خواهانه گفته ذکر می کنم .

دولت بریطانیه از روزی که بمخالفت مسلمانان اقدام کرده تمامی عالم اسلام را از خود رنجانیده که ضررهای آن بحکومت شما معلوم است وهرقدر مراعاتیکه بادولت ترکیه نمائید همانقدر سبب جلب قلب ملت افغان خواهد بود شما هیچ وقت باور نکنید که دیگر عالم اسلام از شما متصافی باشد وافغانستان دوست شما شود باشعائر مقدسه



جناب عالیقدر نجابت مآب سفیر گرجستان باهیئت خود

اسلامی ما را مخالفت کنید واهالی افغانستان یاحکومت آن بیفکر بماند .

در هندوستان نیز شما بر حرکات خود انظار غایر بیندازید که شورشها وفریاد های هندوستان اگر زیاد میشود این چیز هائی نیست که خطوط سرحدی مانع آن شوند بلکه من از سردار اعلی وزیر امور خارجیه شنیدم که شما گفته بودید دولت معظمهٔ بریطانیه سیاست موجوده خود را نسبت بعالم اسلام تغیر دادن خواسته است البته من مسرورم !

قبایل سرحدی ملت ما بنابر ارتباط های عرقی وجنسی ودینی از ما هیچ فرق ندارند ما مثل خود رفاه و ترقی را برای آنها طالبیم ، هرچیزی که ما برای آنها و سعادت حقیقیه آنها کردن خواهش

داریم ومیکوشیم باید دولت بریطانیا هم مثل خواهش ما رفتار داشته باشد .

چون شما به انکلند میروید باید این پیغام های شفاهی مرا به اعلیحضرت شاه جارج و بمقامات عالیهٔ دیکر برسانید در هندوستان جناب پرنس اوف ویلز را از طرف من سلام برسانید ، واحوال جناب ویسرای هند را ازطرف من بپرسید :

—

رئیس هیئت بریطانوی پس ازتشکرات که بشکل بسیار صمیمانه تقدیم میکرد از دونیم سال اقامت خود درافغانستان [که دراوقات مختلفه درافغانستان بسر آورده] بحث رانده واین مفارقت را دلسوز وکریه آورخواند ، وازمهمان نوازیهای حکومت افغانیه تشکر کرد ، وبالآخر از ترکیه بحث رانده کفت که از خبرهائیکه بمن میرسد حکومت برطانیه نسبت بدولت ترکی یك طرزی خیر اندیشانه را پیشه کرفته که درین زمان مناسبات ما و ترکیه خوب خواهد شد از هندوستان بحث رانده شورش آنها را ناحق و آزادی شانرا ذکر کرده کفت آزادی هندوستان تاده سال طول نخواهد کشید وامیداست که دردوستی صمیمانهٔ افغانستان دولت ما کوشش خواهد کرد و رضامندی افغانستان را بهرکونه حاصل خواهد نمود .

(تشدد انکلیسان درهندوستان)

از جرائد مختلفه هندی و انکریزی ظاهر شده است که در کلکته ، لدهیانه اله آباد ، پشاور ، علیکره ، لکهنو جالندهر ، لاهور ، دهلی ، سیالکوت وغیره بلاد هندوستان اکثر مجالس حکماً تعطیل وبسا از سر کرد کان و ملت پروران هندوستانی که دران جمله جناب عالیقدر مولوی ابوالکلام آزاد ومستر داس (صدر کمیتهٔ کانکرس هند) هم شرکت دارند در ظرف چندروزیکه دربی بسبب حق طلبی وسواراج خواهی اهزاران مسلم وهندودرجیل خانه های سرکاری محبوس شدند علاوه بران اکثر مدیران جرائد هندی (البته بسبب اظهار کدام نکتهٔ حقوق طلبی) هم بزندان های حکومت محبوس کردید خون جکر میخورند آن کجا ؟ اکثر خانه های معتبرین هند ومسلم هندوستان تلاشی میشود که مبادا تحریك یا انقلاب نامه ها ازانجا بدر شود —

ازین روش قهرمانه زمامداران سلطنت انکلیسی (متمینهٔ هندوستان) تمام مسلمانان وهندووان آنجا بجای اینکه دلکیر و آشفته شوند تمامها اظهارشادمانی ها کرده برای محبوسین خودکه از راه خدمت ملت ودین بزندان ها جا کزین شده اندبسا تبریکات وتمجیدات میفرستند —

ازمدراس بتاریخ ۹ دسمبرمعلوم شده است که پولیسان کوکنیدا بیرق باورونق کانکریس مقامی را فرود آوردند —

[اقتباس از جرائد]

[سوء استفادهٔ مأمورین هند]

[از وضعیت افغانستان]

عاشقانرا سر آزادی استقلال است
کی زپولتیك سرزلف توپروا دارند

متعاقب معاهدهٔ موجوده افغانیه و بریطانیه که امضا شده و هنوز یقیناً به تصدیق نرسیده خواهد بود در هندوستان شدت قوانین وسخت کیری آغاز کردیده است ؟ این مطلب دیکری ندارد مکراینکه هندوستانیان (برادران همسایه ما) را از ما برنجانند تا بکویند که عجب معاهدهٔ بدقدمی بوده که برما هجوم مصائب وآلام بعد امضاء آن آمده است ولی مامطمئنیم که برادران هندوستانی ما میدانند این همه نیرنك ها چه حقیقت دارد و افکار افغانستان نسبت بمسایل هندوستان کدام ؟ ما اتحاد هند و ومسلم هند را خواسته و یکانه واسطه نجات و ترقی شان همان را میدانیم — وبه معشوقه بیوفای مشهور جفا کار میکوئیم —

بهر رنکی که خواهی جامه میپوش
که من آنقد موزونت می شناسم

حوادث داخلیه

(بدرود جهان فانی)

جناب مغفرت اکتساب سردار جلالت شعار سردار محمد عظیم خان خلف الرشد خاقان خلد آرامکاه امیر دوست محمد خان علیین مکان : که در ١٧ ماه رجب سال ١٢٧٣ قمری هجری پا به اورنك هستی کذاشته بود ، ازین دار ناپایدار که غیراز بیوفائیش کار نیست ، وامید کس یارووفادار نی بس از انقضای [٦٧] سال زند کانی روز یکشنبه ٢٦ قوس ١٣٠٠ شمسی مطابق ١٧ ربیع الثانی ١٣٤٠ قمری رخت هستی برداره کی تب محرق بست مرحله پیمای دیار بقا ردیده مجاورت مزار انوار آثار حضرت میان عبد الباقی علیه الرحمه را اختیار نمود .

امان افغان بعد از اظهار حسرت از خدای غفار برای آن سردار نامدار طلب غفران کرده وبرای اخلاف محترمش صبر وشکیبائی را نیاز مینماید .

نظامنامهٔ تشکیلات اساسیه افغانستان

(مابعد ازشمارهٔ ٢٤)

قاعدهٔ ١٥١ :— مدیر مال وسر کاتب ومأمورزراعت ، ومامورخارجیه ، اعضای طبیعهٔ مجلس مشوره حکومتی های کلان

را تشکیل میدهند . یک یک نفر اعضائی که از هر حکومتی تابع حکومتی کلان انتخاب گردیده‌اند ، با یک نفر عضوی که از پس تر خود حکومتی کلان منتخب شده است ، (اعضای منتخبهٔ مجلس مشورهٔ یک حکومتی کلان) مستند انتخاب اعضای منتخبه بصورتیکه در فصل مخصوص (صورت انتخابات اعضای منتخبه) بیان گردیده جریان میابد .

قاعدهٔ ١٥٢ — : وظیفهٔ مجلس مشورهٔ یک حکومتی کلان عیناً مانند وظیفهٔ مجلس مشورهٔ یک ولایت بوده ، فیصله دعوا های نوع جنحهٔ مأمورینیکه در داخل حکومتی کلان باشند ، مختار و صلاحیت‌دار است .

قاعدهٔ ١٥٣ : — سرکاتب های حکومتی های کلان درعین زمان کاتب های مجلس مشوره میباشند .

قاعدهٔ ١٥٤ : — برای تفصیلاتیکه در بارهٔ وظیفه های حاکم های کلان و وظیفه های کافهٔ مامورینیکه درمعیت شان هستند بفصل نائب‌الحکومه‌ها مراجعت باید کرد .

حوادث خارجیه

(مفصل شرائط عهدنامه ترکی و فرانسیسی)

اخبار مانچستر کاردین شرائط عهدنامه ترکیه و فرانسه را که بتاریخ ٢ اکتوبر در انقره بقلم موسیو فرانکلن بولی (وزیر سابق فرانسه) و یوسف کمال (نمایندهٔ جماعه مایه علیه ترکان) بعد از منظوری امضا شده بود بقرار ذیل شائع نموده

(١) فریقین متعاهدین اقرار میکنند که بعد از امضا شدن معاهدهٔ ، جنگیکه فی مابین دولت فرانس و ترک بود یا هست بالکل ختم باید و نسبت به انعقاد معاهده و اختتام جنگ باید برای تمام افسران و سپاهیان اطلاع فوری داده شود

(٢) جانبین را لازم است که تمام محبوسین (خواه اهل محاربه باشد خواه از دیگر رهگذر) ترکی و فرانسوی را فوراً رها کنند و محبوسین را هردولتیکه بقید آورده است باید از وجه خود در منزل مقصود مجوزه برساند —

(٣) بقرار شرط هشتم باید که فوج ترکی بشمال خط معین و فوج فرانسوی بجنوب خط موصوف رجعت کنند و رجعت افواج دولتین باید درظرف دوماه بعد از امضا شدن معاهده بعمل بیاید —

(٤) نوع و قسم تخلیه علاقه جات را یک کمیشن فوجی مشترکه که از جانبین تعین میشود تجویز و تعیین خواهد کرد

(٥) هردو طاقت‌ها را لازم است که بمجرد خالی شدن یک علاقه و تصرف آن ، برای ساکنین آنجا اعلان نماید که تمام جرائم

گذشته معاف شده همه را امان داده شد

٦ حکومت انقره اعلان می‌نماید که حقوق هیچ یک قوم کوچک را در ممالک مقبوضه ضرر و صدمهٔ رسیده نخواهد توانست

٧ در علاقه اسکندرون یک خاص حکومت انتظامی قائم کرده خواهد شد و برای باشندگان ترکی النسل تمام ذرائع ترقیات تسهیلاً بهم رسانیده خواهد شد و زبان رسمی زبان ترکی قرار داده میشود

٨ تفصیل خط سرحد که در شرط سوم فوق تذکار شد بقرار ذیل است —

خط هذا از خلیج اسکندرون شروع شده در جنوب (پایاز) امتداد یافته بطرف میدان قبیس میرود [استیشن ریل در حدود شهر شام میماند] و از انجا بسوی شمال و مشرق طول میکشد حتی که علاقه مارمورا در حدود فرانس و ضلع قرنابه و شهر قلس در سلطنت ترکی بیاید باینچنین حد هذا در سرک ریل قریب خلیج چوبان متصل میشود بعدهٔ خط سرحد هذا تا حد ریل بغداد طول میکشد تا ریل علاقه نصیبین به تعلق ترکان بیاید و از انجا مابین نصیبین و جزیرهٔ ابن عمر تیر شده به دریای دجله ملحق میشود یعنی سرک مابین نصیبین و جزیره ابن عمر نیز متعلق ترکان میگردد مگر در استعمال سرک مذکور برای هردو مملکت حق مساوی حاصل خواهد شد و استیشن هائیکه مابین خلیج چوبان و نصیبین هستند تماماً بحق ترکان داده شد تاکه برای خود ریل‌ها ساخته بتوانند برای پیمائش و تعیین خط سرحد فوق بعد از یک ماه امضا شدن معاهده ، یک کمیشن مشترکه از جانب هردو طاقت‌ها معین و مقرر خواهد شد .

٩ مقبرهٔ جد بزرگوار سلطان عثمان [که بانی سلطنت عثمانی بود] راکه ترکان انرا سکاری می‌گویند و رجیل کبیس واقع است بمعه ممالک متعلقه‌اش برای ترکان داده شد و ترکان میتوانند که افواج محافظ در انجا نگاه و بیرق خود را نصب کنند

١٠ در حصص ریل بغداد که مابین ترناشین و نصیبین موجود میباشند و نیز در هر تعداد شاخهای ریل که در ولایت عدنه هستند کمپنی های فرانسه حق اجاره و تعمیرات وغیره را داشته خواهند بود خصوص در وجه کرایه مسافران ، حق اشترا کیت فرانسویان خواهد بود برای ترکان حق کامل حاصل خواهد بود که نقل و حرکت افواج خود را درمیان میدان قبیس و خلیج چوبان بذریعه ریل در حدود شام بعمل بیاورند همچنین افواج فرانسوی میتوانند در حدود ترکیه میان نصیبین و خلیج چوبان

حرکت بکنند نسبت بخطوط آهن فوق هیچ یک کرایه امتیازی وصول کرده نخواهد شد مگر بمشورهٔ جانبین — درین شرائط خطوط آهن امکان ترمیمات می تواند رفت و اگر جانبین بر رأی خودها متفق نشوند پس هر یک فریق مختار خواهد بود که بر طبق خواهش خود کار کنند —

۱۱ بعد از منظوری و تصدیق معاهده متعاقدین از طرف جانبین یک کمیشن مشترکه مقرر کرده خواهد شد که نسبت به گمرکات شام و ترکی قواعد درست بسازند و تا که قواعد هذا ساخته نشده هر فریق مختار بساختن قواعد گمرکات خود، خود است

۱۲ تقسیم آب، قویک در بین ترکان و فرانسویان اینچنین خواهد شد که چیزی ازان برای حکومت حلب جدا شود و چیزی بطرف شمال ملحق بمقبوضات ترکیه باشد که هر دو فریق خوشنود بوده مردم حلب از آن حد دریای دجله که داخل حدود ترکان است بمصارف خود نل شانده آب بگیرند

۱۳ قبائلیکه در سرحد ترکی و شام سکونت داشته بر چراگاههای آنجا از مدتی ملکیت دارند حقوق شان بمثل قدیم باقی میماند و رفت و آمد مواشی و خودشان بغیر کدام دادن محصول آزادانه از حدود شام بحدود ترک شده میتواند لکن از غله وغیره مواد شان بقرار محصول همان ملکیکه ایشان سکونت میدارند محصول گرفته خواهد شد

(مکتوب دوستانهٔ یوسف کمال بی)

برای موسیو فرانکلن بولن

جناب عالی! امیداست که ازین معاهدهٔ امضا شده مناسبات دوستانهٔ ترک و فرانس اینقدر زیاده شود که تعلقات پیشینه را نسبت به خوبی های خود فراموش سازد — حکومت فرانس نسبت به آزادی ترکیه و مسائل سیاسی آن خیلی زحمت ها کشید و کوشش ها کرد — چون حکومت انگوره خواهان قائم نمودن مناسبات تجارتی، اقتصادیست با حکومت فرانس لهذا حکومت انقره (نظر به اجازه دادن کندن کانهای آهن و نقره برای کمپنی های فرانسه) تیار است و برای کمپنی های مذکور تا مدت نود و نه سال باین شرط اجازه داده می تواند که درین تجارت، پنجاه فیصد سرمایه ترکی هم شامل باشد علاوه بران حکومت انقره تیار است که برای حکومت فرانسه نسبت به دیگر معادن و بندرات و خطوط آهن حقوق بدهد بشرطیکه برای دولتین فائدهٔ کلی باشد و نیز می خواهد که مدارس صنعتی و حرفتی خود را بذریعهٔ خدمات عالیهٔ ماهران فنون فرانسه ترقی بدهد (نصرت)

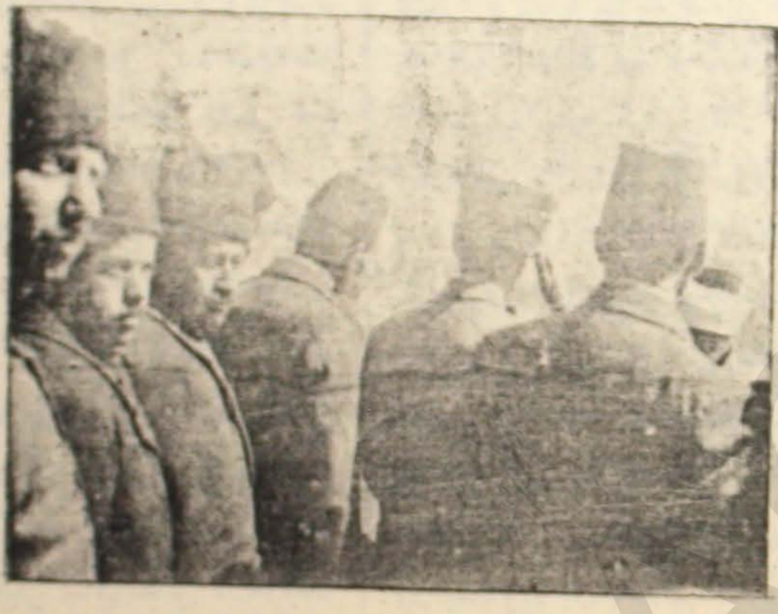
(شرائط عهدنامهٔ برطانیه و آیرلند)

در تفهیمات صلحیهٔ برطانیه و آیرلند هژده شرائط مقرر شده است که بعضی در

تقریر لارد برکن هید تشریح گردیده مثلا تمام آیرلند (آیرش فری ستیت یعنی ریاست آزاد آیرلند) خواهد شد و مرتبهٔ آن برابر خود مختاری و آزادی یک دولت آزاد میباشد آیرلند در آن قرضه های برطانیه ذمه خواهد گرفت که از ممالک متحده برقهٔ آن معین است و نیز در بیشن های حربی شامل خواهد شد که مقدار و مبلغ قرضهٔ و بیشن را یک جماعهٔ منصف طی خواهد نمود

(خلاصهٔ مضمون دفعات بقرار ذیل است)

(۱) یک پارلمان ساخته می شود که نسبت به امنیت و سکون آیرلند وضع قوانین خواهد نمود —



حضرت عالی مصطفی کمال پاشای غازی رد سلام عسکری را که از پیشروی مجلس ملت میگذرد میکنند

(۲) توضیح خود مختاری آیرلند (نسبت به حکومت انگلستان و پارلمان او) بقرار آزادی حکومت کنیدا کرده شد

(۳) در آیرلند بقسم حکومت کنیدای آزاد یک گورنر جنرال برای نمایندگی معین و مقرر کرده خواهد شد

(٤) اراکین دارالشورای حکومت آزاد آیرلند بقسم ذیل سوگند خواهند خورد : —

من حسب دساتیر حکومت آزاد آیرلند که بر قانون قائم است نسبت بوفاداری صمیمانه و اطاعت خود اینچنین سوگند می خورم که به همراه ملک معظم شاه جارج و وارثان قانونی و جانشینان او باوفا خواهم بود

(۵) حکومت آیرلند در قرضهٔ قومی سلطنت متحده شرکت خواهد داشت ـ

(۶) دولت بریطانیا حفاظت بحری آیرلند را تا آنوقت خواهد نمود که آیرلند آزاد قابل نگهداشت سواحل خود بشود شرط هذا بر حفاظت محصولات بحری و ماهی گیری حاوی نیست و برین شرط بعد از پنجسال نظر ثانی کرده خواهد شد تا که آیرلند در حفاظت ساحل خود حصه گرفته بتواند ـ

(۷) برای افواج شاهی در بندرات آیرلند (بوقت امن) تسهیلات مخصوص حاصل خواهد شد و علاوه بران دیگر تسهیلات هم بدست خواهد آمد که تفصیل آن در آینده ذکر می شود و در وقت جنگ یا کشید گی کدام سلطنت خارج تسهیلات بندرات و دیگر آسانیها مطابق درخواست بریطانیا (نسبت به مقاصد حفاظت) خواهد بود

(۸) قوهٔ حفاظتی بریطانیه و آیرلند بقرار تناسب آبادی آن خواهد بود

(۹) بهم رسانیدن تسهیلات مس بریطانیه و آیرلندرا (در بندرات همدیگر) ضرور می باشد

(۱۰) از قرار این معاهده هر تغیر اینکه در نظم و نسق مملکت هویدا گردیده بر ملازمین ملکی اگر اثری بیفتد البته یک معاوضهٔ مناسب داده خواهد شد لکن ذمه داری همان سپاهیانیکه دو سال پیشتر، حکومت بریطانیه جمع نموده بود بر دوش پارلیمان بریطانوی خواهد ماند ـ

(۱۱ ، ۱۲ ، ۱۳) برای پارلیمان شمالی آیرلند تا یک ماه تصدیق معاهدهٔ هذا اجازه خواهد بود که خود را ازین شرائط جدا بسازد، مگر درین حالت برای او اجازه است که تعلقات خود را قائم نماید و اگر درخواست جدائی نماید البته یک کمیشن مقرر خواهد شد که حد بندی شمالی و جنوبی آیرلندرا بخواهش مردم بقرار مناسبات اقتصادی و جغرافیائی بکند

(۱۴ ، ۱۵ ، ۱۶) بقرار شرائط هذه برای پارلیمان شمالی تمام اختیارات موجوده باقی میماند و در باقی معاملات امتیازیکه نسبت بوضع قانون برایش حاصل نیست البته نسبت بآن ، پارلیمان آزاد وضع قوانین خواهد نمود و در باب تحصیل مالیات و محصولات اشیای برامد و درامد و فوج محافظتی وغیره تعلقات ، هر دو پارلیمان تفهیمانی خواهند نمود

(۱۷) مبنی بر آزادی مذهب است

(۱۸) حاضرا برای آیرلند یک نظم و نسق عارضی قائم شد که ازروی آن در آینده ، همان اراکین دار العوام که دوائر انتخابیه آیرلند جنوبی از روی قانون سنه ۱۹۲۰ عیسوی آنهارا انتخاب نموده بود ، جمع شده یک حکومت عارضی قائم کرده خواهد شد

این معاهده را مستر لاید جارج ، لارد برکن هید، مستر جمبرلین ، مستر چرچل ، سر ایل و ارتهنگتن ، سر هیمر گسرین ود و سر جی هیورت ازطرف وفد بریطانیه و مستر گریفت ، مستر بارتن ، مستر کالنز ، مستر دگی، مستر کاون دفی از جانب وفد صلحیه آیرلند امضا نمودند

(تشریح تسهیلات شرط (۷)

حقوق امارت بحری بر بندر کاه بیر هیون قائم و قبضهٔ بریطانیا بر استحکامات بندرات بیر هیون، کوین ستون بلفاست لوولوسویلی خواهد بود و برای حفاظت بندرات فوق ، تسهیلات هوائی ازطرف بریطانیا بهم رسانیده خواهد شد و ذخائر تیل بمقام هالزباوین و را ته مان کم کرده می شود تا خریداران در امورات بحری آنرا صرف کنند ـ

درباب سټیشن های لاسلکی و تارهای بحری که ذرائع خبر رسانی بدیگر ممالک اند فیمابین بریطانیه سلطنت آیرلند آزاد یک معاهده قائم کرده خواهد شد لکن حفاظت مینار های نوروضیا و نشانات بحری بذمه آیرلند می ماند و علاوه بران بدون استجازه بریطانیه در هیچ جا کرده نمی تواند

(پاونیر)

(شرائط اتحاد اربعه)

اخبار تائمز از زبان نماینده پوپلک امریکا می نویسد که در بین اتحاد اربعه تفهیمانیکه شده است مبنی بر چهار شرائط ذیل می باشد :—

(۱) اتحاد اربعه سیادت ملکی علاقه بحرالکاهل را مقرر می کنند و هریکشان برین امر پابند است که بر علاقه دیگر حمله نشود

(۲) اگر در مفاد مهمه کدام سلطنت (در بحر الکاهل) خطری پاتهمی تائد کرده لازم است که پیش از اجرای آن بادیگر دول بحیثیت اخلاق مشوره نمایند

(۳) اگر در بین یکی از دو دول ها (در معاملهٔ) اظهار ناراضی کرده شود لازم است که از دو دول باقیمانده در خواست مداخلت و ثالثی آنها را خواستگار شوند .

(۴) فسخ معاهده انگریزی و جاپانی .

درین تفهیمات نسبت به تخفیف افواج بحری چیزی مذاکره نشده بود و تمام دول متفقه (امریکه ، بریطانیا ، فرانس و جاپان) بدین اتحاد اربعه متفق شده اند

(پاونیر)

(عبدالجبار)

ادبیات

(یاد ایام)

رفت ایام خزان آمد بهار اندر چمن
مفلسان برگ هم پوشیده کل کل زمن
دین ما آمد منور گشت ازعلمش جهان
کم شده بغض وعداوت رفت دور جاهلان
فتنه انگیزی شرارت پستی ودون فطرتی
هم مبدل گشت ز اخلاق ونیکو سیرتی
کبر شد مخصوص بهر ذات پاک کبریا
فرض ما ایثار شد احسان هدایا جابجا
گشت تعمیر اخوت عام از اعمال ما
موجب امن وامان مسلمین و اسلام ما
درس قرآن عظیم آموخت مارا سروری
پاک کرد ازهر خیال نفس وجاه وبی سری
مستی و تن پروری در اجتماع ما نبود
آمر و مامور هردو بندهٔ حکم ودود
شخصیت ازحد تجاوز کم نمود آئین ما
سید کل خادم قومی است در قانون ما
الغرض شد دولت واخلاق وکل عادات ما
بی نظیر وبس مهذب همچو گوهر خوش نما
بد همه ازفیض عرفان محمد مصطفی
خود عمل فرموده مارا شد بسویش رهنما
زین سبب هادی وقطب وغوث دوران مابدیم
مالک دنیا وشاه کل جهان یک مابدیم
ما همون قرآن همون لکن نماند حاضر عمل
عظمت قرآن نشد جا کرد درمقاصد خلل
ای خدا بنگر که کافر چیره دستی میکنند
ای شها بشنو که غلبه حس پرستی میکنند
وعده های نصرت وانعام وتوفیقت کجا؟
گفته های غلبهٔ بمن خلافت شد کجا؟
کل کمالات حسن تبدیل شد بالودگی
کارهاری ماعبث ، رفتار ماجهل وخری
زین جهت از آسمان افتاد در تحت الثرای
تخت شاهنشاهی و آن پایه صدق وصفا
آه ! ای عهد عمل ، روح تهذیب جهان !
ای شیاطین تشنه از فیض امان عارفان
یکدگر افگن بما آن سایهٔ احسان خود !
یکدگر فرما کرم در خانه ویران خود !

در چهاپ خانه حروف دارالسلطنهٔ کابل
طبع گردید

(سرمحرر پاینده محمد)